

جهاد کبیر

عدم تبعیت از کفار از نگاه قرآن و حدیث

www.ketab.ir

نویسنده:

محمدعلی معصومی

سرشناسه	: معصومی، محمدعلی، ۱۳۶۷-
عنوان و نام پدیدآور	: جهاد کبیر، عدم تبعیت از کفار از نگاه قرآن و حدیث/ نویسنده محمدطی معصومی.
مشخصات نشر	: تهران: مگین، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص.
شابک	: ۷۱۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۳۹۶-۴-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۴۶ - ۱۵۳؛ همچنین به صورتزیرنویس.
موضوع	: کفر و کافران
موضوع	: Kufr (Islam)
موضوع	: کفر و کافران -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Kufr (Islam) -- Qur'anic teaching
موضوع	: جهاد در قرآن
موضوع	: Jihad in the Qur'an
موضوع	: جهاد -- احادیث
موضوع	: Jihad -- Hadiths
موضوع	: ۲/BP۲۲۵
رده بندی کنگره	: ۴۶۴/۲۹۷
رده بندی دیویی	: ۷۲۵۵۰۸۴
شماره کتابشناسی	: فیبا
ملی	: اطلاعات رکورد
کتابشناسی	: کتابشناسی

www.ketab.ir

نویسنده: محمدعلی معصومی

عنوان: جهاد کبیر، عدم تبعیت از کفار از نگاه قرآن و حدیث

طراح جلد: محمدحسین عبدالنفوری

صفحه آرا: فاطمه عسکریان

چاپ اول: ۱۴۰۰ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد تعداد صفحات: ۱۵۳ صفحه قطع: وزیری قیمت: ۷۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۳۹۶-۴-۸

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

تلفن درخواست کتاب: ۰۹۰۱۵۷۵۶۲۲۹

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
فصل اول: دلایل جایز نبودن تبعیت از کفار.....	۱۵
ویژگی کافران.....	۱۸
لوازم تبعیت از کفار.....	۳۵
آثار و فوائد عدم تبعیت از کفار (تبعیت از خدا و رسول).....	۴۸
فصل دوم: مصادیق جهاد کبیر از نگاه قرآن و روایات.....	۵۵
الف - بُعد اقتصادی جهاد کبیر.....	۵۸
ضرورت اقتصاد مقاومتی از نگاه قرآن و روایات.....	۶۰
اصول اثباتی اقتصاد مقاومتی از نگاه قرآن و روایات.....	۶۲
اصول سلبی اقتصاد مقاومتی.....	۷۰
ب - بُعد فرهنگی جهاد کبیر.....	۷۵
راهکار دشمن در تهاجم فرهنگی.....	۷۸
عوامل و زمینه‌های تهاجم فرهنگی.....	۹۱
ج - بُعد سیاسی جهاد کبیر.....	۹۵
فصل سوم: عوامل تبعیت از کفار.....	۱۰۱
ضعف ایمان.....	۱۰۴
تفرقه.....	۱۰۵
تفکر اشتباه.....	۱۰۸
کثرت کفار.....	۱۰۹
دل بستگی به دنیا.....	۱۱۲
فصل چهارم: آثار تبعیت از کفار.....	۱۱۷

پیشگفتار

حمد و ثنا، خداوند یکتا را، که جهان آفرینش و نظام خلقت در دست تربیت و پرورش اوست. کسی که نعمت‌های بی‌شماری را بر انسان ارزانی داشت و او را خلیفه خویش در روی زمین قرار داد و بر آفرینش مباهات نمود و درود و رحمت بی‌پایان بر حضرت ختمی مرتبت، تیر اعظم، رسول خوبی‌ها، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آل طاهرینش، که ستارگان آسمان ولایت و امامت، معدن علم، منتهای حلم، ابواب ایمان و کشتی‌های نجات این امت‌اند.

با توجه به اینکه از یک سو، اسلام دین رحمت است و از سوی دیگر، دینی جهانی و جاودانه می‌باشد و از سوی سوم، جنگ‌هایی در طول تاریخ میان مسلمانان و کفار رخ داده است، این سؤال پیش می‌آید که تعامل مسلمان با کفار از نگاه قرآن و سنت دارای چه محدوده‌ای می‌باشد؟ در آثار قرآن پژوهان، توجه به این مسئله به صورت کلی مشاهده می‌شود. مفسران، در ضمن تفسیر آیات جنگ و صلح و نه به صورت مستقل به نکاتی اشاره کرده‌اند و کتاب‌های احکام القرآن و فقه القرآن مانند فقه القرآن قطب‌الدین راوندی و کنز‌العرفان فاضل مقداد در کتاب الجهاد بحث‌هایی را به طور کلی مطرح کرده‌اند. با پیروزی انقلاب اسلامی و مطرح شدن تعامل دولت‌های اسلامی با بیگانگان، و موضع‌گیری‌های حضرت امام خمینی ره و مقام معظم رهبری نسبت به این تعامل که موضع‌گیری‌هایی منطبق بر آیات قرآن بوده است، این تحقیق اهمیت شایان توجهی پیدا می‌کند. لذا با توجه به اینکه قرآن منبع اولیه و اصلی اسلام است، ابتدا این مسئله را از دیدگاه قرآن بررسی کرده، سپس تعامل با کفار در سنت مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، سؤال اساسی این است: بر اساس آیات نورانی قرآن و احادیث و روایات معصومین، آیا مسلمانان اجازه تعامل با کفار را دارند؟ مهم‌ترین شرط اسلام در تعامل با کفار چیست؟

با در نظر گرفتن عدم تبعیت از کفار به عنوان شرط اصلی اسلام در تعامل با کفار، حاصل بررسی انجام شده در پنج فصل سامان یافته است و در پایان با نتیجه گیری از آیات و روایات به بیان اصل کلی اسلام در عدم تبعیت از کفار که محور تعامل با کفار است، پرداخته ایم.

در طول تاریخ کفار با هدف سلطه بر جامعه اسلامی با استفاده از فشارهای سیاسی و اقتصادی دست به اقدامات مختلفی همچون شعب ایطالب و... می زده است. گرچه این نوع از فشارها الان نیز از سوی کفار بر روی برخی جوامع اسلامی قرار دارد. معمولاً در چنین شرایطی که مردم در مشکلات معیشتی قرار می گیرند، تنها نسخه ای که از سوی برخی از خواص جامعه اسلامی برای برون رفت جامعه از چنین وضعی صادر می گردد؛ تعامل با کفار و پذیرش سلطه کفار بر جامعه اسلامی است. تعامل با کفار دارای ابعاد مختلفی همچون سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است که در این نوشتار به بیان این سؤال پرداختیم که نظر قرآن و سنت در رابطه با این تعامل چیست؟ با جواب به این سؤال و بررسی ابعاد مختلف آن که در این نوشتار انجام می گیرد، اولاً جامعه اسلامی با وظیفه الهی خود نسبت به کفار آشنا گردیده و دوماً کفار در هدف خود که همان سلطه بر مسلمانان است، ناکام می ماند.

آنچه این نوشتار به دنبال آن است: بیداری جوامع اسلامی از غفلتی که در تعامل و تبعیت از کفار دارند؛ همچنین بر ملا کردن چهره واقعی کفار و زبانی که تعامل با کفار متوجه جوامع اسلامی می گردد؛ و در نهایت توجه مسئولین جوامع اسلامی به راهکارهای قرآنی در جهت پیشرفت جامعه به جای تعامل با کفار است.

حال سؤالی که مطرح این است که دیدگاه کلی قرآن و سنت نسبت به تبعیت از کفار چیست؟ و همچنین مصادیق تبعیت از کفار چیست؟ و یا آثار تبعیت کفار چیست؟

در اینجا به تعاریف مورد نیاز در کتاب می پردازیم:

تعریف تبعیت

تبعیت در لغت به معنای پیروی کردن و تابع بودن است.^۱ همچنین تبعیت یعنی پیروی، دنباله روی، پذیرفتن، تعقیب کردن، موافقت کردن، جانشینی، فرمان برداری، امتثال امر و ملحق شدن.^۲

در همه‌ی این موارد؛ مَتَّبِع، متتابع یا متابع از متبوع، مَتَّبِع، متتابع یا متابع در کارها و اعمال و حالات پیروی می‌کند و او را الگو، پیشرو، بالادست و اسوه قرار می‌دهد و بدین وسیله در صدد است تا خود را مثل او کند. در منابع فقهی، به‌ویژه فقه امامی، به اصطلاحی خاص تبدیل شده است. در برخی علوم دیگر مانند اصول فقه و حقوق و علوم سیاسی نیز در معانی خاصی به‌کار رفته است. ولی با توجه به موارد گوناگون کاربرد این واژه، می‌توان آن را واجد معنایی عام‌تر و به مفهوم تبعیت یک چیز (تابع) از حکم یا عنوان شرعی چیزی دیگر (متبوع) به سبب ملازمة عرفی دانست. تبعیت را در فقه شیعه در چهار زمینه می‌توان مطالعه کرد: تبعیت در طهارت و نجاست، تبعیت در اسلام و کفر، تبعیت در ملکیت، تبعیت در استیطان (معجم فقه الجواهر، ذیل «تبعیه»)

در کتاب قاموس در توضیح لغت «تبع» آمده است: «تبع و اتباع بمعنی پیروی است. خواه به‌طور معنوی و اطاعت باشد مثل ﴿فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۳، هر که از هدایت من پیروی کند برای آن‌ها خوفی نیست و محزون نمی‌شوند و خواه به‌طور محسوس و دنبال کردن نحو ﴿فَاتَّبِعْهُمْ فَرِعُونَ وَجُودُهُمْ﴾^۴، فرعون و لشکریانش آن‌ها را تعقیب کردند و از پی آن‌ها رفتند.

۱. الرائد، ج ۲، حرف التاء، ص ۴۲۳.

۲. کتاب العین، ج ۲، ص ۷۸.

۳. بقره: ۳۸.

۴. یونس: ۹۰.